



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۱۱



حنیف رهیاب رحیمی

ظاهر شاه در چهل سال سلطنتش برای افغانستان چه کرد؟

قسمت اول

مطلب ذیل در صفحه‌ی یکی از دوستان توجه ام را جلب نمود. به خاطر ارزیابی بی طرفانه و منصفانه که موصوف انجام داده، خواستم آنرا با دوستان نیز شریک سازم تا یک عده معاندین و یا نسبت به عدم معلومات و شناخت واقعی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، بخصوص طرفداران جمهوریت بدانند که پایه گذار ترقی و پیشرفت افغانستان، اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید و محمد ظاهرشاه جانشین شان بودند:

در نوشته‌ی آقای دادفر ایجاب می نمود تا اضافاتی صورت بگیرد که در اکمال نوشته‌ی شان مؤثر، لیک از چوکات آن خارج نخواهد بود. اینک رجوع می نمائیم به توضیحات محترم کنشکا دادفر:

کنشکا دادفر: محمد نادر شاه و ظاهرشاه برای افغانستان در ۴۰ سال حکومت چه کارکردند؟

بعد از دشنام دادن ها و نفرین هایی که به نادرشاه و ظاهرشاه و احیاناً به من میدهند این متن را نیز بخوانید:

عصر پیشرفت و ترقی در افغانستان از زمان "محمد نادر شاه و محمد ظاهر شاه" آغاز گردید.

اعلیحضرت محمد نادرشاه در مدت کوتاه پادشاهی تا به شهادت رسیدن شان با سرعت عجیبی، بدون از مدرک کدام عایدات کشور در اولین قدم بنیاد علم و دانش را در علی آباد کابل، بالای ملکیت شخصی و به مصرف شخصی شان گذاشتند و بار اول در تاریخ افغانستان نام فاکولته و ارج گذاشتن به علم را معرفی نمودند. بار اول در تاریخ کشور در جوار شفاخانه‌ی علی آباد که آن هم به مصرف شخصی و در زمین شخصی ایشان اعمار شده بود، عمارت بزرگی برای مریضان عقلی و عصبی آباد گردید که به اسم داکتر رفقی بیگ نخستین استاد محصلین طب نامگذاری شد.

برعلاوه در جاده‌ی دارالامان که در منطقه‌ی خوش آب و هوای چهاردهی قرار داشت برای نخستین بار شفاخانه‌ی ای برای تداوی مریضان توبرکلوز اعمار گردید. این همه فعالیت های عمرانی و تحصیلی حکایت از دانش و افق نظر وسیع محمد نادرشاه می کند که یقیناً در طول مدت اقامت شان در فرانسه جست و جو شده می تواند. محمد نادرشاه طوریکه در عام شهرت داشتند عاشق سرباخته و اعتلای کشور بودند که در تاریخ واقعی کشور برای ابد ثبت است.

تعجب است که در مدت کوتاهی ساختمان راه شمال - جنوب افغانستان را به سرعت و قوای بشری با بیل و کلند پیش بردند که تا امروز به نام دره‌ی شکاری شهرت دارد که آغاز کار در سال دوم سلطنت نادر شاه و اکمال آن در اوایل سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به پایان رسید.

جاده دره شکاری در حقیقت بنیاد پیوند مردم شمال و جنوب افغانستان بوده که امکانات بازار تجارت و تماس های انسانی را میسر گردانید .

محمد نادر شاه به مشوره و شوری عقیده داشت و بنیاد شورای ملی را در افغانستان گذاشت و قانون اساسی کشور تدوین گردید که تا ۱۹۶۴م قانون اساسی جدید و مدرن دوران دهه دیموکراسی و طلایی اعلیحضرت ظاهر شاه اعتبار داشت.



از مؤسسات عصر نادر شاه (پتیر خانه نادری) کابل

بنیاد یتیم خانه عصری در زمان اعلیحضرت محمد نادر شاه گذاشته شد

بزرگترین خدمت اعلیحضرتین تأمین امنیت در سرتاسر کشور بود که با مقایسه بعد از سقوط نظام شاهی افغانستان بدون در نظر داشت کدام احصائیه تنها و تنها از روی گزارشات عینی قتل و قتال، اختطاف، دزدی، غصب ملکیت های عامه و اشخاص و رشوه ستانی داد می زند.

در کشور پلان های انکشافی ۵ ساله و ۲۵ ساله طرح و تا ۲ مرحله کاملاً تطبیق گردید. در مرحله سوم مشکلات در بودجه وارد گردیده و مرحله چهارم نیز موفقانه به اكمال رسید. در نتیجه افغانستان صاحب:

- شاهراه حلقوی،
- ۱۱ بند بزرگ برق،
- به ده ها بند های کوچک،
- تأسیس ۵۲۰۰ مؤسسات صنایع کوچک و فابریکات،
- ایجاد بهتر و منظم تر وضع ترانسپورت خصوصی و دولتی،

در جایی "محمد اسماعیل" وزیر سابق انرژی و آب افغانستان گفت که تنها طراحی بند کمر ده میلیون دالر پول و سه سال زمان ضرورت دارد. او گفت که "ساخت این بند یک میلیارد و صد و بیست میلیون دالر مصرف خواهد داشت".

خوب برداران، شما حدس بزنید که تنها ۱۱ بند بزرگ برق و آبیاری که در زمان ظاهر شاه بنا شده است، باید چند سال را در بر می گرفت و چند میلیارد دالر مصرف می داشت؟

از تأسیسات و فابریکه های مهم آن وقت:

- فابریکه نساجی پلخمری
- فابریکه نساجی گلپهار،
- فابریکه نساجی بگرامی،
- فابریکه نساجی افغان،
- فابریکه پشمینه بافی و نختابی کابل،
- فابریکه بوت آهو،
- فابریکه پشمینه بافی قندهار،

- فابریکه کود و برق مزار شریف،
- فابریکه صابون سازی قندز،
- تأسیسات عظیم شرکت سپین زر و فابریکات تولید پخته، و روغن نباتی در قندز
- فابریکه چینی سازی، و صابون سازی در قندوز،
- فابریکه تواید شکر (بوره) در بغلان،
- فابریکه سمنت غوری،
- فابریکه سمنت جبل السراج،
- فابریکه سمنت هرات،
- فابریکه تولید مواد کانکریت بشمول خانه سازی
- فابریکه بایسکل سازی "پامیر" در کابل،
- فابریکه پلاستیک سازی،
- فابریکه جین وپرس مزار شریف،
- دستگاه ساختمانی افغانی در هلمند،
- دستگاه ساختمانی بنائی در کابل،
- فابریکه پایه سازی،
- فابریکه حجاری بتون، در کابل،
- استخراج زغال سنگ و سایر معادن
- فابریکه های کشمش پاکی در کابل و قندهار،
- فابریکه حجاری و نجاری، و تولید فلز در جنگلک کابل،
- ایجاد مؤسسات ترانسپورتی
- ایجاد موسسه بزرگ افسوتر در کابل و قزل قلعه،
- ایجاد دت افغانستان بانک برای بار نخست در افغانستان،
- ایجاد بانک های زراعتی، تعمیراتی، و تجارتی در کابل و همه ولایات افغانستان
- ایجاد بانک ملی افغان با نمایندگی ها در ولایات افغانستان و نمایندگی هادر کشور های آلمان، سوئیس و برتانیه،
- ایجاد شرکت های صادراتی در داخل و خارج افغانستان،
- ایجاد بنادر تجارتی،
- ایجاد وزارت خانه جدید،
- ایجاد سفارت خانه های جدید در سائر کشور های جهان
- ایجاد و اعمار کوپراتیف ها و اتحادیه های صنفی
- تعمیر بناهای جدید دولتی،
- اعمار مطابع مدرن در کابل و شهر های کلان کشور
- اعمار میدان های هوایی در کابل و شهر های بزرگ افغانستان (هرات، مزار شریف، قندهار، و بامیان)
- ایجاد و اعمار فاکولته های مختلف و پوهنتون ها در کابل و جلال آباد
- اعمار کودکستان ها در کابل و ولایات،
- اعمار مکاتب و لیسه ها در کابل و ولایات افغانستان
- ایجاد و اعمار لیسه حربی و پوهنتون حربی به شکل مدرن و مجهز،
- ایجاد شرکت صادراتی قالین، گلیم و شطرنجی هاتی افغانی،
- ایجاد شرکت صادراتی قره قل
- ایجاد توزیع کوپون مواد اولیه به مأمورین دولت،
- و ایجاد خشکه شوئی ها توشیح قوانین، محلات رهاپشی و غیره می باشد .

اکنون همه ناخواسته مجبور به اقرار این حقیقت است که کارهایی را که ظاهر شاه با نبود کافی انجنیران داخلی و نبود سرمایه های کافی انجام داده است، بینظیر است و تا اکنون کسی دیگر نیست که از عهده آن بدر آید.

طور مثال، "قطب الدین هلال" که خود یکی از اعضای حزب اسلامی و به اصطلاح مبارزین برضد حکومت و منتقدین سلطنت شاه بود، و کاندید ریاست جمهوری در انتخابات ۱۳۹۳ هجر شمسی و یا ۲۰۱۴ م بود، با مصاحبه

ای که با یکی تلویزیون های محلی (تلویزیون ۱) داشت، در جریان معرفی به اصطلاح برنامه های کاری اش چنین گفت:

"افغانستان ۴ فابریکه نساجی داشت که در آن ۴۰ هزار تن مصروف کار بودند، تنها در فابریکه کود و برق مزار شریف ۵۰۰۰ تن مصروف کار بودند. چرا این فابریکه ها دوباره احیا نمی شود؟"

ظاهرشاه، برای رشد صنعت کوشش خیلی زیاد می کرد، با ایجاد فابریکه های تولیدی و ارائه امتیازات فوق العاده به کارگران کارخانجات سعی می نمود تا از دوام آن مطمئن و از ورشکستگی آن جلوگیری نماید، طور مثال چند سال قبل کاریگران فابریکه نساجی پلخمری با اعتراض از عملکرد اداره جدید خواهان برآورده شدن امتیازات را که ظاهرشاه "چند دهه قبل برایشان مبنی بر توزیع خانه ها رهائشی در برابر مدت کار تعهد نموده بودند، خواستار برآورده شدن آن وعده ها از جانب حکومت کرزی شدند."

و چنین ادعا نمودند:

"در دیدار کارگران فابریکه نساجی افغان - پلخمری با رئیس جمهور کرزی فرمودند که این فابریکه در سال ۱۳۲۱ هـ ش به فعالیت آغاز نموده است، قرار تعهد اعلیضرت بابای ملت در آن زمان کسانیکه برای پانزده سال درین فابریکه کار کنند، سند ملکیت خانه های رهائشی آن فابریکه که در آن زندگی می کنند برای شان داده می شود."

در آنزمان افغانستان از لحاظ تولیدات زراعتی متکی بخود بوده سالانه صادرات میوه جات خشک و تازه، پوست و قالین، نباتات طبی را داشت. که توازن اقتصاد کشور را مستحکم حفظ نموده بود. در طول سلطنت "ظاهرشاه" نرخ اسعار ثابت بوده قیمت دالر از ۳۴ افغانی هیچگاه بلند نرفته است. تأسیس سرای صرافی شهزاده مشکلات هزاران تاجر و سایر افغان ها را مرفوع ساخته است که الی امروز این مارکیت به حیث بزرگترین مرکز تبادلۀ اسعار به سطح کشور موجود است.

با اعمار مکاتب در سراسر افغانستان و جبری ساختن جذب متعلمین به مکاتب یکی از اقدامات خیلی مؤثر شاه در راستای ترقی و رفای کشور بوده است، برای سرعت بخشیدن هرچه سریعتر محو بیسوادی، برنامه های سواد آموزی را برای بزرگسالان هم روی دست گرفت که نظر به مؤثر بودن آن حتی ایران هم همین برنامه سواد آموزی افغانستان را در کشورشان تطبیق نمود.

آقای عبد الحمید مبارز درین مورد چنین می نویسد:

"پروگرام سواد آموزی یکی از پروژه های بسیار مهم "ظاهرشاه" بود که یونسکو این پروژه را به حیث یک پروژه مؤثر می شناخت، همین بود که در آن زمان اداره ایران طی یک نامه ای کتاب های سواد آموزی افغانستان را مطالبه کرد چون سیستم سواد حیاتی افغانستان برانندگی پیدا کرده بود."

با تکمیل نمودن موفقانه پلان نخست پنجساله چون افغانستان در جاده هموار ترقی و انکشاف قرار گرفته بود از سراسر جهان متخصصین به افغانستان سرازیر شدند و افغانستان دربین کشورهای همسایه پیشتاز شده بود."

درین مورد هم آقای عبدالحمید مبارز چنین می نویسد:

"تماس با متخصصین پروژه های خارجی مکتب دیگری بود که کارگران افغان را از لحاظ فکری و هم دانش تخنیک میجهز میساخت که مثال مهم آن پروژه وادی هلمند بود که از آن دستگاه ساختمانی افغانی، هلمند و دیگر مؤسسات ساختمانی مختلط ملی و شخصی بوجود آمد. دیگر میرفت افغانستان در جاده ترقی رهسپار شود، زیرا

پلان های اقتصادی ۵ ساله را مؤفانه به عقب گذاشته بود، و تازه صدها متخصص تحصیل کرده از غرب و شرق، از شمال و جنوب، وارد افغانستان می گردیدند. درین زمان بود که ننگرهار به مقایسه پشاور شهر پیشرفته تری بود، هرات با مشهد رقابت می کرد، و مزار و شیرغان با استخراج نفت و گاز از شهرهای همسایه اش در ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان پیشتر بود نه عقب تر!"

من یک تعداد از فعالیت های وی را که هرکدام در زمان خویش یک شهکار بوده، مشت نمونه خروار گفته با تفصیل قرار ذیل یاد آور میشوم،

تا باشد از کتمان حقیقت که صورت گرفته جلوگیری نموده و نسل جوان را در قضاوت درست و عادلانه در مورد "ظاهرشاه" یاری نماید.

۱- شاهراه های مهم که در زمان شاه اعمار شده اند:

در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی شاهراه های مزار به کابل، تونل سالنگ، شاهراه هرات به قندهار و قندهار به کابل، شاهراه هرات به اسلام قلعه سرحد ایران، و کابل به تورخم شروع و در مدت دوسال به پایة اكمال رسید.

تونل ماهیپر و تونل سالنگ از جمله کارهای آنزمان است که اکنون بعد از ۶۰ سال سرازیر شدن دالره های باد آورده از سراسر جهان، کسی حتی فکر همچو پروژه ها را در افغانستان کرده نمی تواند، طوری که دیده می شود تمام جهان نمی تواند حتی تخریبات جزئی سرک های سالنگ را ترمیم نمایند.

کارشناسان ساخت تونل سالنگ در ولسوالی سالنگ ولایت پروان را در قاره آسیا بی نمونه می دانند.

۲- بند های آبگردان و برق که در زمان شاه اعمار گردیده است:

در افغانستان به شرح ذیل بندهای آبگردان برای آبیاری و تولید انرژی برق وجود دارد که نمی شود به هیچ وجه از آنها انکار و چشم پوشی نمود. با درنظر داشت امکانات افغانستان همان زمان و تکنالوژی جهان هرکدام را می توان به حیث یک شهکار حساب کرد که اکنون هم با وجود سرازیر شدن پول های باد آورده و واشنگتن و مهیا شدن تسهیلات ساختمانی در جهان، آن کارها مشکل و حتی ناممکن به نظر می آید.

بند برق سروبی: در ۲۵ کیلومتری بعد از ادغام دریای کابل و پنجشیر به طرف شرق کابل موقعیت دارد، دو توربین که هرکدام ۱۱۰۰۰ کیلو وات برق تولید می نماید، یعنی مجموعاً ۲۲۰۰۰ کیلووات برق تولید می کند، مناطق بزرگی از آب آن آبیاری می گردد.

بند برق و آبیاری نغلو: در ۷۰ کیلو متری شرق کابل موقعیت دارد و در ۱۰ کیلومتری بند سروبی یک ونیم کیلومتر نقطه ادغام دریای کابل و پنجشیر واقع شده است، در ابتدا با نصب سه توربین ظرفیت تولید برق آن ۷۶۰۰۰ کیلووات که بانصب توربین چهارم ظرفیت برق آن به ۹۷۵۰۰ کیلووات میرسد. با ذخیره مقادیر بزرگ آب و توزیع آن مطابق ضرورت قسمت اکثر مناطق شرق افغانستان را سرسبز و سیراب نگه میدارد.

بند برق ماهیپر بالای دریای کابل: در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی یعنی تقریباً ۵۰ سال قبل آغاز و قدرت تولید ۶۰ هزار کیلووات برق را داراست.

بند آبیاری و تولید برق تنگی ننگرهار (دروننه روی دریای کابل): بزرگترین بند آبی تولید برق و آبیاری در شرق افغانستان که با کانال کشی های بزرگ توانسته تمام ولایت ننگرهار را سر سبز و همیشه بهار نگهدارد.

بند برق پلخمری: در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی تکمیل و دارای ظرفیت ۴۸۰۰ کیلووات برق می باشد.

بند برق و آبیاری کجکی: این بند روی دریای هلمند ساخته شده یکی از شهکار های آنزمان می باشد، گفته می شود که یکی از بزرگترین بند های آب گردان خاکی جهان است، در ۱۶۱ کیلومتری شهر قندهار قرار دارد، این بند برای آبیاری ساحه فوق العاده بزرگ یعنی ۱۸۰۰ کیلومتر مربع زمین زراعتی کافی است، و ظرفیت بزرگ تولیدی برق برخوردار می باشد. این بند در سال ۱۹۵۳ یعنی تقریباً ۵۹ سال قبل احداث گردیده است.

تبصره: نیروهای انگلیس در سال ۲۰۰۴م توربین های سنگین وزن را بایک عملیات ترانسپورتی بی سابقه و با دادن تلفات جانی به ساحه بند کجکی رسانید ولی اکنون ۸ سال میگذرد، آن توربین ها هنوز هم در بین کارتن های پوشیده باقی مانده و ظرفیت وجود ندارد که آن را نصب نماید.

بند آبگردان دهله بالای دریایی ارغنداب قندهار، بند آب گردان بغرا بالای دریای هلمند و پروژه تولیدی وادی هلمند، بند و پروژه آبیاری بالای دریای کوکچه، بند آبیاری سرده در کندهار، بند برق و آبیاری جبل السراج، دو بند برق یکی در چک وردک (سه توربین و ظرفیت ۳۰۰۰ کیلووات برق) و دیگری در قندوز قابل یاد آوری است که اگر به اصطلاح مدعیان ترقی و آبادی کشورما دست به تخریب و ویرانی وطن ما نمی زدند بزرگترین بند آب گردان و تولید آب و برق در شرق میانه به نام سلما و کاوه گان بالای هریرود در ولایت هرات تکمیل و سی و پنج سال قبل به بهره برداری سپرده میشد، چونکه ۲۵ فیصد کار آن در اخیر دوره شهید سردار "محمد داود خان" به اتمام رسیده بود.

معادن کشور :

در سال های دهه شصت ایران با داشتن منابع بزرگ نفتی و پاکستان باداشتن راه های بحری از نظر اقتصادی رشد چشمگیری در مقایسه به وطن ما نداشتند. فابریکات کود برق و تولید گاز مزار، نساجی پشمینه بافی گلپهار و کندهار، سرمایه، ماشین سازی جنگلک، تولید بوت آهو، تولید سمنت در جبل السراج و پلخمری، خانه سازی و حجاری و نجاری در زمان ظاهر شاه بوجود آمد باز هم اگر فابریکه تولید سمنت هرات به اشاره پنجابی های پاکستان وجواسیس ایران، به دست منافقین ویران نمی شد افغانستان از نظر تولید سمنت خود کفا بود. این فابریکات میتواندست پنجاه فیصد احتیاجات مردم را برآورده سازد، قابل یادآوری است که دهه شست رکود اقتصاد جهانی بود. دنیا بعد از دو جنگ جهانی در بازسازی اقتصاد خویش مشغول بودند. افغانستان که تابع اقتصاد بازار های جهانی بود نمی توانست یک شبه راه صد ساله را طی کند. برای رشد و انکشاف سریع یک مملکت به سرمایه های هنگفت، منابع و کدر های علمی و متخصصین ضرورت دارد، در حالیکه بعد از دوره کوتاه ولی ویرانگر و تباه کن حبیب الله کلکانی افغانستان از نگاه کدر های علمی، زیربنا ها و رو بناها صد سال به عقب زده شد و افغانستان به کمون اولیه برگشته بود.

همین "محمد ظاهرشاه" پادشاه افغانستان بود که باید همه چیز را از صفر شروع می کرد.



ادامه دارد